

■ وزیر کار آمد چگونه عنصری است؟

با نظراتی از:

- * دری نجف آبادی - رئیس کمیسیون برنامه و بودجه
- * حسینی شاهرودی - رئیس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی
- * مهندس یحییوی - رئیس کمیسیون نفت
- * مهندس حسین هاشمی - رئیس کمیسیون صنایع و معادن
- * علی کامیار - رئیس کمیسیون دیوان محاسبات

اشاره:

اگر بپذیریم که وزیر کار آمد، بعنوان عنصری تعریف می‌شود که تمامی عرصه تحت مسئولیت خود را با قوه آینده‌نگری، طراحی و جهش‌های فکری شخصی، هدایت نموده و روند عادی اوضاع را به غوه ابتکار و خلاقیت خویش می‌شکند و باتکاء اندیشوران عرصه خود، ناکردنی‌ها را متحقق می‌سازد، و اگر بپذیریم که تدبیر، خود «منابع آفرین» است و خود «بهترین راه هزینه» را عرضه می‌دارد، در آن صورت به اهمیت وظیفه‌ای که برعهده رئیس جمهور و مجلس در امر انتخاب وزراء قرار دارد پی می‌بریم. وزیر جامع شرایط نیروهای مدیر و باکیفیت را در مدار خود دارد و از وجود نیروهای قوی‌تر از خود پرهیز نمی‌کند و مجلس و نیروی مقنن را به بهترین تمهیدات هدایت نموده و خود بهترین نوع اداء وظیفه را انجام می‌دهد.

اگر از بیان حقیقت باک نداشته باشیم می‌توانیم بگوئیم که دیگر دست بسوی وجیزه نفعی دراز کردن نمی‌تواند مخلص وزارتخانه باشد. برآستی برای تحقق امروز و فردایی بهتر، چه ویژگی‌هایی را در انتخاب یک وزیر کارآمد در نظام مقدس‌مان تعریف می‌کنیم؟ ضعف‌های موجود در انتخاب بهترین‌ها برای تصدی مسئولیت وزارت چیست و چه عواملی -سیاسی یا غیرسیاسی- می‌تواند این انتخاب اصلح را تحت الشعاع قرار دهد؟ نفس تقسیم کار و پرداختن وزیران به امور راهبردی در عرصه تحت مسئولیتشان چقدر جدی است و آیا روزمرگی و تبدیل شدن یک وزیر به یک عامل «عمل جزء» بتواند یکد خطر برای یک بخش از نظام قابل تلقی هست؟ در بارم‌بندی، چه عواملی تعریف می‌شوند و مجلس و مجلسیان محترم چگونه این امتیازات را کنترل و نظارت می‌کنند؟ شماری از روسای کمیسیونهای مجلس در یک گفت و شنود با ماهنامه «جام: نشریه جامعه اسلامی مهندسين»، به این پرسش‌ها پاسخ گفته‌اند. از آنجا که نظرات مطروحه، نخستین مواجهه جدی و صریح با مقوله کارآمدی و انتخاب وزیران است، عیناً از نظرگروامی تان می‌گذرد.

باید کل جامعه را بنگرد. بر همین مبنا وزراء مسئولیت مشترک دارند. مثلاً در هیأت وزیران یا در شورای عالی انقلاب فرهنگی یا در شورای عالی انقلاب فرهنگی یا در شورای اقتصاد یا در کمیته‌های زیر مجموعه دولت یا شورای پول و اعتبار که هر کدام از اینها خیلی کارساز یا سرنوشت سازانند و بایستی وظیفه حساس خود را بعنوان یک عضو از مجموعه اداء کنند. در حقیقت وزیر، مسئولیت همه مسائل کشور را به نحوی به عهده خواهد گرفت. پس دو تا مسئولیت برای یک وزیر تعریف می‌شود. یک مسئولیت اختصاصی و یک مسئولیت مشترک.

من در رابطه با وزراء و این دو جنبه مسئولیت هر وزیر چند نکته را یادآوری می‌کنم؛ در رابطه با مسئولیت‌هایی است که یک وزیر در رابطه با زیر مجموعه خودش داراست. یک وزیر، در درجه اول باید از آدمهای کارآمد و با کیفیت و نیروهای با ارزش و لایق استفاده کند اگر بتواند از افراد با کیفیت استفاده کند چه در بخش ستادی و چه در بخش غیر ستادی به نظر من یک موفقیت بسیار بالایی را برای آن وزیر می‌توانیم تصور کنیم. چون یک نفر به تنهایی در یک وزارتخانه‌ای که پنجاه یا صد هزار نفر آدم دارد و در سراسر کشور و شاید جهان گسترده است نمی‌تواند به تنهایی تمام مسئولیت‌ها را انجام دهد اگر بخواهد همه کارها را بریزد به دوش خودش معنایش اینست که وزیر ضعیفی است پس خواهی نخواهی نیاز به آدمهای با کفایت، با لیاقت،

آقای دری‌نجف آبادی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه: در جامعه ما وزیر می‌تواند در هر دستگاهی نقش مهمی داشته باشد. هر وزیری در جامعه ما در حقیقت دو مسئولیت دارد و ما از این دو زاویه وزیر را ارزیابی می‌کنیم. یکی وزیر هر دستگاه به اعتبار مسئولیت خاص آن دستگاه که آن را اداره می‌کند و سرپرستی نموده زاویه دوم مسئولیت وزیر در رابطه با او به پیش می‌برد، مسئولیت اختصاصی دارد.

مجموعه دولت و کابینه و کشور است. مثلاً فرض کنید وزیر کشاورزی در رابطه با بخش کشاورزی و کلیه سازمانها دستگاههای ذیربط در بخش کشاورزی مسئولیت دارد. یا در بخش نفت که یک میدان بسیار وسیعی از کر وزیر مربوطه، اداء مسئولیتش در این بخش می‌باشد. هکذا در سیاست داخلی، وزیر کشور. یا در سیاست خارجه، وزارت خارجه.

هر وزیری یک بعد از مسئولیتش این است که در این راستا و در حول محوری که مسئولیت دارد کارش را به نحو احسن انجام دهد، اما از جانب دیگر وزراء در جامعه ما یک مسئولیت مشترکی بعنوان هیأت وزیران و هیأت دولت هم دارند. در حقیقت هر وزیری نمی‌تواند تشکیلات و بخش خودش را مستقلاً بصورت یک جزیره و حوزه مستقل از همه جامعه بنگرد، بلکه

موارد ما این ضعف استاده از نیروهای غیرکارآمد یا عدم ارتباط با نیروها را در طول دوره‌های گذشته حکومتمسان و دولتماند دیده یا احياناً می‌بینیم.

مسئله سوم نظارت برکار مجموعه تشکیلات است. حالاً یک بار آدم افراد کاردانی را به کار می‌گیرد، اما اگر برای آنها نظارت نداشته باشد، باز موفق نخواهد بود، چون ممکن است هر کدام بصورت جزیره مستقل عمل کنند و پیوندها و ارتباطات بطور کامل برقرار نباشد. موضوع مهمتر دیگر، مسئله برنامه‌ریزی است برای آن تشکیلات. واقعاً برای هر وزارتخانه‌ای باید یک حالت دورخیز و یک حالت آینده‌نگری و برنامه‌ریزی وجود داشته باشد. این برنامه‌ریزی نباید بصورت حوزه مستقلی از کل برنامه‌ریزی کشور باشد، بلکه باید هماهنگ با مجموعه امکانات ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود جامعه باشد. بنابراین مسئله برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری هم یک مسئله بسیار مهمی است که اگر وزیری بتواند در برنامه‌ریزی موفق باشد و برنامه‌ریزی‌هایش هماهنگ و منطبق با کل برنامه‌های کشور باشد، این نشانه موفقیت آن وزیر و لیاقت و کاردانی آن وزیر است. والا اگر در برنامه‌ریزی موفقیت نداشته باشد معلوم می‌شد که این وزیر، وزیر کارآمدی نیست.

می‌دانیم که یک بخش از کار وزراء، اجزاست. در حقیقت در زمره مسئولین

با تدبیر، شایسته و با اخلاص دارد بنابراین یکی از مسئولیت‌های حساس هر وزیری این است که از آدمهای کارآمد و با کیفیت بسیار بالا برای پیشبرد امورش چه بعنوان ستادی چه بعنوان مشاوره چه بعنوان مدیران اجرایی، به نحو احسن استفاده کند. اگر وزیری در انتخاب عناصر توانمند در رده معاونان، مدیران، مشاوران، نیروهای ستاد و صف موفق باشد، باید بگویم این نشانه لیاقت و کاردانی و شایستگی آن وزیر است. اگر ما پیرامون این مسئله هر چه بگوئیم به نظر من کارگزافی انجام نداده‌ایم.

واقعاً اگر وزیری در مسئولیت‌های گوناگون از آدمهای با لیاقت استفاده کند، بواقع این نشانه لیاقت آن وزیر است و اگر در انتخاب همکاران ضعف داشته باشد، باز نشانه بی‌لیاقتی است و نشان می‌دهد که آن وزیر طبق معیارهای لازم برای آن مسئولیت انتخاب نشده است.

موضوع دوم ارتباط وزیر با مجموعه پرستل زیر مجموعه خود است. این ارتباط بسیار مهم و تعیین کننده است. اگر یک وزیر نیروهای با کیفیت داشته باشد ولی نتواند ارتباط کاری با این نیروها برقرار کند، باز معلوم می‌شود با معیارهای لازم نمی‌خواند. قطعاً اگر آدمهای شایسته و کاردان داشته باشد، اما به دلیل نوع بینش و رفتار، نتواند ارتباط آراء و تبادل نظر و مشاوره با آنها برقرار کند، معلوم می‌شود که خودش آدم ضعیفی است و متأسفانه بعضی



شمار دیگری از ویژگی‌های یک وزیر، در رابطه با قوانین و مقررات مربوطه است، تسهیل امور و اینکه قانون اصلاً کارش باید بسترسازی برای اجرای خوب باشد. وزراء البته از این ناحیه مسئولیت مستقیم ندارند، اما مسئولیت غیر مستقیم دارند. با این همه فردا و جمعاً باید قوانین را آزادسازی کنند. ما چطور می‌گوئیم اقتصاد را باید آزادسازی کنیم در حالیکه خیلی از قوانین را واقعاً به گونه‌ای تنظیم بکنیم که گره‌گشا و بسترسازی باشد. اگر وزیری در بعد قانونگذاری و تسهیل امور، دقت لازم را نداشته باشد این در واقع نقطه ضعف بسیار بزرگی را متوجه وزیر می‌کند. باید هر جایی هم که احساس می‌شود گره‌ای و پیچیدگی و مشکلی هست با سرپنجه تدبیر و سیاست‌گذاری و تنظیم قوانین خوب اصلاح بشود.

ما الان اینقدر دچار بوروکراسی اداری هستیم، اینقدر از اول انقلاب تا حالا در مورد مسئله بوروکراسی، اصلاح ساختار اداری و اصلاح نظام داری این همه سخن گفتیم اما مثلاً در یک وزارتخانه‌ای یکدفعه شش تا معاونت پیدا می‌کند. یک تشکیلات باید قبض و بسطش خیلی قوی باشد تشکیلات، خودش به تعبیر ماطلبه‌ها موضوعیت ندارد، هدف نیست، بلکه تشکیلات وسیله است، طریق برای تحقق آرمانها. اگر تشکیلاتی در یک جامعه مانع تراشی بکند و مانع پیشرفت کار بشود، آن تشکیلات اصلاً بدرد نمی‌خورد.

اجازه بدهید بگویم شرایط فعلی کشور ما حساس بوده و از ویژگیهای خاصی

اجرای هستند. قوه مقننه کار اجرایی ندارد، رهبری دامت برکاته به یک معنا کار اجرایی ندارد، قوه قضائیه در بخش قضا مسئولیت دارد اما کار اجرایی کشور با کابینه و رئیس جمهور است. مجموعه کارهای اجرایی داخلی و بین‌المللی را باید رئیس جمهور و کابینه و وزراء انجام دهند. بنابراین از یک وزیری نمی‌خواهیم که خوب سخنرانی کند و خیلی زیبا حرف بزند بلکه اجرای خوب، اداره مناسب، برنامه‌ریزی دقیق، نظارت و کنترل خوب و هدایت صحیح و متحول می‌خواهیم. حال در اجرا موفق بودن یک وزیر دهها مسئله را به دنبال دارد: از نظر فنی، از نظر تنظیم بودجه از نظر کیفیت کار از نظر زمان‌بندی کار و همه فاکتورها و شاخص‌هاییکه برای اجرا لازم است. باید یک وزیر تمام کارهای وزارتخانه را چه کارهای روزمره چه برنامه‌ریزی و نگاه اقتصادی را تماماً بصورت یک نرم و بصورت استاندارد عمل کند. یکی از معیارهاییکه حتماً باید به آن توجه شود معیار ارزشی انقلاب است. در انقلاب و نظام ما مسئله زهد، ساده زیستن، سادگی، پاکی یک مسئله بسیار مهمی است. در نظام ما ارزشهایمان برای ما اصل است. امام ره آن همه روی ساده زیستی و زی طلبگی تاکید فرمودند و رهبر، زندگیشان برای همه ما درس و سرمشق است.

برخوردار است. درک این شرایط موجب می‌شود که کشور بتواند از این مرحله به صورت بسیار قوی و توانمندی بگذرد و به پیش برود و در دهه‌های آینده راه ساختن بنیادهای اقتصادی اجتماعی خودش را تأمین کند و استخوان بندی کشور و پتانسیلهای اساسی کشور در جهت رشد و توسعه و تعالی پیش برود و اگر این مسئله عنایت نشود ممکن است ما همین طور که در طول دویست سال گذشته دهها بار یک دفعه اوج گرفتیم و بازتوی حسیض آمدیم مثلاً در زمان امیرکبیر خدای ناکرده موفقیت لازم را نداشته باشیم. البته در این مرحله حتماً موفقیت داریم، ولی موضوع فرق می‌کند. یک وقت در ده سال، ره صدساله را طی می‌کنیم یک وقت در ده سال، ره ده سال یا ره پنج سال را طی می‌کنیم.

اگر حرکت نکنیم در دهه‌های آینده باز برای یک قرن ممکن است جامعه ما عقب بیفتد چرا. برای اینکه زمینه پیشرفت و حرکت الکترونیک، انفورماتیک، نرم‌افزار، سخت افزار، علم و دانش، اطلاعات و تکنولوژی در دنیا خیلی با سرعت دارد پیش می‌رود. ما اگر الان از نظر وضعیت علمی و تکنولوژی از دنیا چقدر عقب هستیم، اگر با همین سرعت پیشرفت علمی دنیا حرکت بکنیم، این فاصله عقب افتادگی را همین طور حفظ خواهیم کرد، اگر یک مقدار بیشتر حرکت بکنیم فاصله کمتر خواهد شد اگر

کمتر حرکت بکنیم فاصله بیشتر خواهد شد. توجه به مسئله زمان در این مرحله بسیار کارساز، حساس و بسیار تعیین کننده است. از یک لحظه هم نباید غفلت کرد. یک لحظه غفلت یا یک شبانه‌روز غفلت ممکن است یک عمر غفلت در پی داشته باشد. بنابراین مسئله زمان و مدیریت زمان اهمیت حضور خودش را نشان می‌دهد و معلوم می‌کند که مدیریت زمان بسیار ضروری، کارساز و موثر است. اگر از زمان و از «مدیریت زمان» استفاده نکنیم این فاصله با کاروان علم و دانش و تکنولوژی بشریت، بیشتر می‌شود. باید کسانی که در این مرحله می‌آیند وارد این میدان و این گود می‌شوند از چند ویژگی برخوردار باشند. اولین ویژگی اینست که این شرایط را خوب بشناسند. دومین ویژگی اینکه نسبت به ضرورت تحول در این شرایط ایمان داشته باشند. سوم بیایند با قدرت ابتکار، قدرت تصمیم‌گیری و نوآوری این شرایط را به پیش‌برند چهارمین نکته اینکه در میان خودشان با رئیس دولت و از اینسو با مجلس همدل باشند. همفکری درکار باشد و هم سویی اگر همدلی و همفکری و هم سویی درکار نباشد نیروها یکدیگر را خنثی می‌کنند. در حقیقت ما در این مرحله به «عزم ملی» نیاز داریم این «عزم ملی» مرکز ثقلش بعد از مقام رهبری مجلس است و بعد دولت. باید بتواند دولت این «عزم ملی» را به دست بگیرد و سکان دار این عزم باشد.

مجلس باید بتواند سکان دار این عزم باشد در واقع رابطه دولت و مجلس به همین معنی و به همین رابطه بر می‌گردد.

در مورد وزرایایی که در این مرحله می‌خواهند وارد معرکه و گود بشوند، خیلی بحث کمیت و اینها نیست، بیشتر بحث کیفی و مسائل کیفی است و کارائی از نظر کیفیت مطرح است. مثلاً برخورد با مسائل انسانی و نحوه برخورد با مسائل مدیریتی. مثلاً واجد مدیریت استراتژیک بودن. مدیریت استراتژیک هم به هر کیفیت معنایش این است که ضمن اینکه مسائل را بسعنوان مدیریت می‌بیند. بصورت استراتژیک هم ببیند. در کابینه آینده حتماً باید این «مدیریت استراتژیک» به معنی واقعی کلمه حاکم باشد.

در مساله صنعت، حالا فرض کنید یک وزارتخانه صنعتی خواهیم داشت و شاید ۱۰ دستگاه که در رابطه با صنعت کار می‌کند، این تخصص خود جناب‌عالی است و من رشته سخن را باید بدهم به دست خودتان. استراتژی دراز مدت صنعتی کشور چیست؟ ز تیم گنج کت تیم چفت و بستها را چگونه می‌توانیم روی هم تنظیم کنیم؟ ما وزارت صنایع داریم، صنایع سنگین داریم، معادن و فلزات هم داریم، پتروشیمی داریم، چندین بانک و نهاد از قبیل بانک صنعت و معدن، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، و از

آنسطرف وزارت جهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح میدان وسیعی امکانات و تجهیزات، تاسیسات، الی ماشاالله دارند. اکنون که ۱۴ سال از انقلاب گذشته بالاخره این مسیر صنعت باید به کجا ختم بشود؟ و دارد چه می‌کند؟ چقدر بنا هست این کشور مثلاً قبرستان ماشین آلات خارجی باشد؟ چقدر باید ارز واقعاً در این بخش بلعیده شود؟

چرا این همه استعدادی که در داخل کشور هست، این همه ظرفیت، این همه پتانسیل، این همه خلالتیت و امکاناتی که در داخل کشور ماست، چرا از آن‌ها استفاده نمی‌شود؟ چقدر مراکز تحقیقاتی در دانشگاهها و غیر دانشگاهها داریم؟ چرا آن دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی ما نباید این بخش را پشتیبانی کنند؟ چرا نباید رابطه بخش علمی ما با بخش صنعتی ما یک رابطه تلقیق شده و بسیار جدی باشد؟ چرا مدیریت‌ها ما نباید به این مسائل بیندیشند؟ اینها پس به چه چیزی باید بیندیشند؟ یک طلبه‌ای مثل بنده باید راجع به این مسائل حرف بزند؟ یا اصلاً نظام باید مسیرش در این جهت باشد؟ این‌ها باید مسیر کلی نظام باشد. شما ببینید که استراتژی صنعتی کشور چه باید باشد؟ فلان وزارتخانه روزی دهها موافقت اصولی بدهد؟ کاری حل می‌شود؟ دهها شهرک و ناحیه صنعتی در سراسر کشور ساخته بشود و آنوقت ۸٪ تا ۱۰٪ برای هر موافقت اصولی ساختمان سازی و سوله‌سازی شده



اما که چه؟ ثم ماذا؟ اینها بناست تا کی ادامه پیدا کند؟ بنابراین واقعاً جناب آقای رئیس جمهور باید با آن درایتی که دارند نسبت به همه این مساله‌ها واقعاً فکر کنند، بسویژه راجع به مجموعه افرادی که می‌آورند.

همه باید همکاری کنند تا مناسبترین افراد برای این مسئولیتها در این مرحله بسیار حساس کنونی انتخاب بشوند، انشاءالله.

آقای حسینی شاهرودی رئیس کمیسیون اقتصادی و دارایی: وزیر به احتمال عضو کابینه بودن در مجموعه مسائل اجرایی کشور دخیل است، از یک جهت ما دولت را و هیأت دولت را از مجلس هم ما می‌توانیم بگوئیم نقش سیاسی‌شان (نه نقش واقعی‌شان) بیشتر است، به خاطر اینکه مجموعه کارشناسهایی که در دولت وجود دارند و امکاناتی که در دولت وجود دارد، کارهایی که حتی مجلس هم انجام می‌دهد باز به اتکاء قسمت عمده‌ای از کارشناسی دولت هست.

از آنجا که ترکیب مجلس اختیاری نیست در واقع گاهی بصورت طبیعی ترکیب بسیار خوبی می‌شود، گاهی هم ترکیب جامعی نیست و با توجه بر اینکه دموکراسی است و بر پایه آراء مردم، مجلس انتخاب می‌شود، گاهی ممکن است مجلس از یک نوع تخصص خالی باشد و حتی یک

متخصص خاص را نداشته باشیم و از یک تخصص دیگری بیشتر داشته باشیم، باز با توجه به اینکه دوره مجلس چهارسال بیشتر نیست، در واقع مجموع نمایندگان نمی‌توانند ثبات طولانی داشته باشند. اما می‌توانیم بگوئیم که یک ثبات بیشتری در هیأت دولت - نه در شخص وزیر، در زیر مجموعه‌ای که با یک وزیر کنار می‌کنند - هست و اگر یک وزیر قوی واقعاً وجود داشته باشد، می‌تواند بسیار موثر در تصمیمات مجلس نیز باشد. بنابراین ما وزیر را با این بیانی که عرض کردم در سه بعد می‌بینیم و حتی نقش یک وزیر را اگر در خود مجلس هم مد نظر قرار بدهیم، در واقع بعنوان یک بازوی توانمند در مشاوره با مجلس او را می‌بینیم. بنابراین جامعیت آن را باید خیلی بیشتر از این حرفها ببینیم. اولین ویژگی که یک وزیر باید داشته باشد اینست که متناسب با مسئولیتی که در وزارتخانه به آن واگذار می‌شود باشد. وزیر باید آن کسی باشد که یک اشراف بر کار تخصصی آن وزارتخانه داشته باشد. وزیر کسی است که سخنان را می‌شنود اما تصمیم را او خواهد گرفت و در نهایت خط و ربط به زیر مجموعه، خودش و معاونین خودش را خود او خواهد داد. بنابراین اولین ویژگی اینست که نسبت به زیر مجموعه‌اش اشراف کافی داشته باشد. شما اگر یک پزشک را بخواهید در یک دستگاه صنعتی بگذارید طبیعی است که آن ویژگی لازم را آن وزیر در



انقلاب می توانم بگویم که معمولاً در بین اعضاء کابینه آدمهایی بوده اند که در دستگاه خودشان حتی قوی عمل می کردند ولی عنوان عضو کابینه اصلاً قوی نبودند و وقتی در کابینه و یا هیأت دولت قرار می گرفتند، فقط نسبت به مسائله دستگاه خودشان مدافع خوبی بودند اما نسبت به دستگاههای دیگر اصلاً خودشان را بی مسئولیت و بی طرف می دانستند و این خسارت بزرگی دارد. یعنی وقتی که یک وزیر جامع نگر نباشد و تمام مسائل کشور را در نظر نگیرد و فقط مسایل دستگاه خودش را در نظر بگیرد و منطقتش این باشد که وانا رب الاایل وللبیت ربه این زیان سنگینی برای کشور دارد.

مهندس محسن یحیوی رئیس کمیسیون نفت: اگر وزارت خانه ای داشته باشیم که کیفیت سرمایه گذاری در آن بصورت هزینه کردن ریال یا ارز بصورت بهینه اش هست نه هدر دادن سرمایه بودجه یا خرجهای غیر ضروری، بتصور من چنین وزارت خانه ای هر چه قدر بتواند بودجه اش را جذب کند توانسته وظیفه اش را بهتر انجام دهد. متها بایستی بدانیم که چه برنامه ای در قبال این هزینه کردن برای این وزارت خانه در نظر داریم.

شما فرض کنید، آموزش عالی دارید. این می تواند تشکیلاتی باشد که مقدار زیادی ارز و ریال را برای پژوهشها، هزینه بکند برای تربیت نیروهای انسانی و

آن دستگاه خودش نخواهد داشت. دیگران وزیر خواهند بود. نکته دوم یا موضع دوم که از موضع اول مهمتر است و کمتر روی این قضیه توجه شده عضویت در کابینه است. ما می خواهیم این وزیر را بعنوان یک عضو کابینه انتخاب بکنیم، اما معمولاً آنجا که صحبت از وزیر می شود تنها بعنوان وزیر دستگاه اجرایی ذیربط مد نظر قرار می گیرد. من عرض می کنم که فرض کنید و اساساً بنابر آن بگذارید که کابینه مستقل از دستگاههای اجرایی است و می خواهیم برای کابینه شخصی را بعنوان عضو کابینه انتخاب بکنیم. یعنی کسی که به تمام مسائل اجرایی کشور آشنایی و بینش داشته باشد. بنده معتقدم از این زاویه باید یک وزیر را خوب ارزیابی کنیم، چرا که این نقش نقش مهمی است. شما شاهدید که نظریه وزراء به مجلس می آید، بصورت لایحه در می آید و تقدیم مجلس می شود و ما می دانیم که لوایح دولت نقش موثری را در مجلس دارند و شانس بسیار بالایی را در رای آوردن در مجلس دارند.

خوب اگر این چنین هست، وزیر بعنوان عضوی از کابینه یکی از شرایط اصلی اش اینست که باز اضافه بر اشراف بر مسائل دستگاه خودش، اشراف بر کل مسایل داشته باشد. من در مورد کابینه های قبل از انقلاب آن اطلاع دقیق را ندارم، اما در مورد بعد از

نقش بسیار اساسی در نظام اجرایی کشور و آینده اقتصادی کشور بازی می‌کنند. چون بصورت موردی تحلیلی را شروع کرده‌ایم و وارد مقوله تولید شده‌ایم، باید برگردیم یک مقدار بحثهایی که در این چندین سال اخیر در مورد تولید به عنوان یک محور مطرح شده است.

وزارت صنایع به عنوان یک وزارت خانه‌ای که تقریباً اکثریت صنعت ما را تحت پوشش قرار می‌دهد و به عنوان وزارت خانه مصرفی معروف هست. یعنی نیازهای روزمره مردم و نیازهای کوتاه مدت مردم را تامین می‌کند. از این وزارت خانه انتظاری که ما داریم که بیاید به اصطلاح نیازهای ما را کم کند و ما از وابستگی به خارج در رابطه با آن کالاها برهاند و با کمک ارزش افزوده‌ای که در این کالاها ایجاد می‌کند و صادراتش که بیشترین پتانسیل صادرات هم در همین بخش هست ثروت بیاورد برای صنعت و کشور. البته در حال حاضر اکثریت صنایع در وزارتخانه صنایع از نظر مواد اولیه وابسته‌اند به خارج و ما نتوانسته‌ایم در جهت رفع این مشکل قدمی برداریم و در واقع به عنوان یک نقش اصلی می‌توان در این راستا قدم برداشت.

در آن شاخه‌های هفتگانه که در این وزارت صنایع هست اگر ما یک نگاه کوچکی به آن بیاندازیم، می‌بینیم که فرض کنید رد بخش صنایع تبدیلی که بسیار بخش حساسی است و به راحتی مملکت می‌تواند

متخصص که در ظاهر هیچگونه بازده ارزی و ریالی برای شما نداشته باشد. منتها نیرویی برای شما تربیت می‌کند که در آینده بایستی کشور را اداره بکند. این، باین صورت ارزش آفرینی می‌کند. شما پتروشیمی را در نظر بگیرید که هزینه می‌کند و در هزینه بودجه‌ای که برایش پیش‌بینی شده بطور قطع شما بازده را در نظر می‌گیرید و اصولاً هدف از اینکه ما به پتروشیمی اهمیت بیشتری می‌دهید چیست؟ در واقع بجای اینکه منابع زیرزمینی خود را بخواهیم بصورت مواد خام صادر بکنیم، که بدترین استفاده از ذخائر است، بایستی بیاییم و با پالایش مواد خام ارزش افزوده را تا آنجا که می‌توانیم بالا ببریم و کالایمان را بصورت کالاهای نهایی به خارج صادر کنیم.

بهر حال درآمدزایی مثلاً از نفت را آدم مستوقع هست و درست است، منتها از وزارت نیرو نمی‌توانید توقع داشته باشید، در حالی که هر چه قدر بیشتر بتواند برای شما جذب ارزی و ریالی داشته باشد و معادل آن جذب هم پیشرفت فیزیکی در سدها و نیروگاهها داشته باشد در واقع آن وظیفه‌اش را بهتر انجام داده است.

مهندس حسین هاشمی رئیس کمیسیون صنایع و معادن: وزارتخانه‌های تولیدی با عنایت به نقشی که در اقتصاد کشور دارند، هر کدام در جایگاه خودشان



در بخش ماشین آلات، یعنی نیازهای بخشهای هفت‌گانه وزارت صنایع در رابطه با ماشین آلات را تأمین می‌کند به عنوان یک وزارت خانه‌ای اصلی، وظایفی را انجام داده و البته کارهایی هم هست که باید انجام بشود.

برمی‌گردیم به وزارت معادن و فلزات که این منابع طبیعی خدادادی که به ما داده شده در بیش از سی و چند ماده معدنی که خود اینها در دنیا بعضی‌هایشان کم نظیر و بی‌نظیر هستند، ما تازه احساس می‌کنیم، که این بخش دارد نفس می‌کشد، در گذشته نتوانسته‌ایم این امکانات خدادادی را تبدیل کنیم به یک سری کالاها و حتی بتوانیم یک کالای صادراتی هم روی آن قدرت مانور داشته باشیم، طبیعی است که وقتی شما ماده خام این مواد را به خارج صادر می‌کنید قیمت‌ها بسیار پائین هست. یک به اصطلاح پروسه در آن انجام می‌دهید، یک کالای دیگر از این محصول بدست آوریم با قیمت چند برابر. این است که در بخش صنعت، یک وزیر می‌تواند تغییر و تحولاتی فراگیر انجام بدهد، چه عاملی می‌تواند که این بخش را به این طرف سوق بدهد؟ اولین عامل به نظر من انتخاب اصلح برای وزیر است، یعنی وزیری که برای این به اصطلاح وزارتخانه انتخاب می‌شود باید بتواند آن امورات را عمیقاً درک کند. من اصلح که می‌گویم بعنوان مدیر و مدبر بودن است. مدیریتی که نتواند در بخش خودش بعنوان یک عامل تدبیری قوی عمل کند

در این بخش طرحهای خوبی را راه بیندازد که در نهایت نیازهای داخلی ما را تأمین کند و صادرات هم نصیب سازد متأسفانه در گذشته‌ها به آنها پرداخته نشده بود و حالا هم نگاه می‌کنیم که هکذا، بسیار کم و اندک کار شده. هنوز هم گزارشهایی به کمیسیون می‌آید، و در خود مجلس هم مطرح می‌کنند که فلان شهرستان ۲۰۰ هزار تن سیب هلدن رفته است. خب این سرمایه ملی است. یا ۵۰ هزار تن انگور ما چنان شده و یا ۶۰ هزار تن، گلایی ما از بین رفته است. اینها نشان می‌دهد که هنوز ما نتوانسته‌ایم امکاناتی که نعمت‌های خداداد را تبدیل کنیم به یک محصول دیگری که ارزش افزوده بالا برای مملکت دارد و در ضمن نیازهای ما را تأمین کند و یک حاصل صادراتی داشته باشد و ثروتی نصیب مملکت بکند، هنوز آن چنان موفق نبوده‌ایم. خوب، این تنها در بخش تبدیلی نیست که طی سالیان سال مورد غفلت بوده و تازه برای سال گذشته یک کارهایی می‌خواست بشود که فی‌الواقع نشد! در بخش‌های دیگر هم همینطور است.

مثلاً در صنایع نساجی و بقیه هم همینطوراً اینها را اگر سرجمع کنیم وضعیت موجود را تصویر می‌دهد و این از آن وضعی که باید باشد چقدر فاصله دارد؟ وزارت خانه بعدی وزارت خانه صنایع سنگین است بعنوان تکمیل‌کننده حلقه‌های مفقوده

تشکیلات مناسب و منسجم برای این قضیه داشته باشیم، این یکی.

دوم داشتن سیستمهای اجرایی قوی هست که بتواند اینها را در جاهای مختلف خودش تحرک بدهد، به جهت رسیدن به آن اهداف، سوم مساله بکارگیری نیروهای کیفی هست چه در سطوح کارشناسی و چه در سطوح مدیریت و بعد هم تثبیت میانی است. من اعتقادم براین است که مشکلاتی که ما هنوز داریم و حل نشده نتوانستیم که در بدنه مدیریت میانی خودمان را هم تثبیت و ثابت نگاه داریم، در تمام دنیا این مساله هست. شما چند تا کشورهای پیشرفته صنعتی را نگاه کنید، یک وزیر که عرض نمی‌شود! اساساً تعویض خیلی کم است. یک مدیر ما مثلاً ۳ سال است در یک وزارتخانه صنعتی زحمت کشیده یک تجربه کسب کرده، یک دفعه می‌رود آموزش و پرورش! هیچ با هم سختی هم ندارد.

این یک مشکلاتی است که متأسفانه علی‌رغم اینکه از پیروزی انقلاب ۱۴ سال می‌گذارد هنوز هم تغییری نکرده و بالاخره نتوانستیم یک نظام تشکیلاتی کارآمدی برای خودمان مشخص کنیم. برای همین است که یک روز مثلاً تسفیک وزارتخانه‌های صنعتی مطرح می‌شود و فردایش مجبورند دوباره ادغام کنند همه اینها را! چرا چون تصمیم از ابتدائاً صحیح گرفته شده است.

ما در مقطع تحول هستیم، باید تمام

صددردصد برای ما خسران آور است. نکته دیگر قابلیت تصمیم‌گیری است. بدون تردید و بدون نگرانی از ملاحظات سیاسی تصمیم بگیرد، نه جور دیگری که زیاد شاهد آن هستیم! محور بعدی که وزیر دارد، اهمیاتی هست که می‌تواند این وزیر در وزارتخانه‌ها برای خودش بعنوان اجراکننده استفاده کند، من معتقدم که وزیر اگر کسی قویتر از خودش را به عنوان معاون خودش انتخاب کرد، این وزیر موفق‌تر است، معاونی را که مطمئن باشد که از خودش هم قویتر است آن را بعنوان معاون خودش انتخاب کند این یقیناً در آن وزارتخانه می‌تواند تحول آفرین باشد، این بالاخره در بعضی از وزارتخانه‌های ما ثابت شده است که وزیر افرادی را انتخاب کرده که یا در حد خودشان هستند و یا شاید بعضی مواقع در بعضی از ابعاد قویتر هستند، همین انتخاب باعث شده که وزیر بعنوان یک وزیر موفق در اجتماع مطرح بشود، من معتقدم که نباید نسبت به ضعیف انتخاب کردن زیردستان وزیر تسامح کنیم. واقعاً کار وزیر را ببینیم.

بنظر من نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران یک هدفی را دارد برای بهتر کردن زندگی مردم براساس قانون اساسی و براساس رهنمودهای رهبرکبیر انقلاب. و برپایه اسلام ناب محمدی، این حرکت نیازمند یک تشکیلات مناسب است برای اجرای این اهداف یعنی ما باید یک

هممان را بگذاریم که افراد کیفی و جامع‌الشرایط برای شرایط تحول پیش رویمان انتخاب کنیم. امیدواریم همگی براین عزم ملی استوار باشیم و بهترین انتخاب‌ها را داشته باشیم. انشاءالله

یک وزیر آقای مهندس کاظم سیفیان رئیس کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری: یک وزیر بایستی نه تنها شناختی از جامعه کنونی خودش داشته باشد بایستی شناختی هم از جامعه گذشته‌اش داشته باشد یعنی ما بدانیم از چه مرحله‌ای به چه مرحله‌ای آمدم، کسی که جامعه قبلی خودش را نشناسد، شاید باز در تصمیم‌گیری‌ها و حتی ارائه طریق‌ها و طرح‌ها و لویحی که می‌خواهد بدهد دچار مشکلاتی بشود که در واقع در نهایت آن هدفی را که نظام دارد با مشکل روبرو کنند نسبت به وضع جهان کنونی بویژه از ابعاد سیاسی یک وزیر باید اطلاع داشته باشد یعنی این نیست که فرض کنید ما اگر می‌آئیم یک وزیر خاصی را انتخاب کنیم مثلاً وزیر اقتصاد و دارایی این کافی است فقط در کار خودش تخصص داشته باشد و آدم خوبی باشد این به نظر من کافی نیست. او همچنین باید نیازها و امکاناتی را که بالقوه وجود دارد بشناسد مثلاً اگر ما در بخش مسکن وزیری را انتخاب کنیم، این وزیر باید

نیازهای جامعه را بداند چیست ما در خیلی از جاها بطور طبیعی امکانات داریم یا بالقوه امکاناتی داریم ولی این امکانات را نمی‌شناسیم، خود این مساله است تنها اینکه من فقط بدانم ما مثلاً به فلان تعداد واحد مسکونی با توجه به این جمعیت و این رشد جمعیت نیاز داریم کافی نیست.

من یک مثال کوچکی می‌زنم چون من بعنوان مسئول کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری هستم، وارد مورد و جزئیات می‌شوم. در رابطه با مشکل مسکن یک وزارتخانه داریم و این همه مشکلات. حضرت امام در ابتدای انقلاب با چه ظرافت خاصی آمدند حساب ۱۰۰ را افتتاح کردند و یک سری کمک‌های مردمی را جذب کردند که البته در همین بحث بودجه سال ۷۲ هم یک طرح‌هایی را هم ارائه کرده، اینکه عرض کردم امکانات بالقوه وجود دارد مثلاً فرض کنید که الان کسانی هستند که حاضرند اگر زمین به اینها داده بشود اینها ساختمان را با قیمت تمام شده بسازند و بدون اینکه هیچ‌گونه سودی از این حساب برداشت بشود، بیایند تحویل بدهند، همین شناخت این افراد یا اینکه چگونه این افراد را جذب باید کرد. خود نکته مهم و ظریفی است.

نکته دیگر اینکه یک وزیر خوب و کارآمد بایستی به آن توجه داشته باشد، عدالت اجتماعی است. و این همان چیزی را که رهبری جامعه به آن توجه دارند. در سخنان رهبریت جامعه و رهبر معظم انقلاب هم آمده که بحث عدالت اجتماعی



جدید به مجلس معرفی خواهد شد و جا دارد که جامعه ما و مجلس ما و اندیشمندان ما به این موضوع توجه بیشتری داشته باشند و انشاءالله ما بتوانیم در ترکیب کابینه آینده که یک دوره چهارساله کشور را به دست خواهند گرفت، بیش از پیش موفق باشیم.

بنظر من تمهد و تقوای الهی و متانت کلام و رفتار در کمی وزیر از ضروریات است و بعد از این، تخصص و مدیریت و داشتن تجربه اجرایی و ابتکار عمل و داشتن خلاقیت است.

در بین همه این مسائل باید وزیر دارای روحیه ابتکار و خلاقیت باشد یعنی ما نباید بسنده کنیم بر این نکته که یک وزیر یک مدیر خوبی باشد، اداره کننده خوبی باشد بلکه برعکس یک وزیر به مشابه یک سکاندار و ناخدای کشتی است که باید با تکیه بر ابتکار عمل و فوه خلاقیت خودش اوضاع را دست بگیرد.

وزیر، قانونگذار است چون همین لایحه‌ای که به مجلس می‌آید، اولین بار از همان دستگاهی آمده و اگر وزیر خودش روحیه ابتکار و خلاقیت نداشته باشد و خودش را نیاز به لایحه جدید در مقررات روزمره خودش نبیند و یا اینکه بهترین راه حل را بعنوان قانون پیشنهاد نکند و قدرت گمانه‌زنی برای پیامدهای بعد از تصویب نداشته باشد، این قطعاً نتایج زیستباری خواهد داد. ظریفی می‌گفت شاهد بوده

پس کجاست؟ در واقع وقتی ما نمی‌توانیم خودمان را با رهبریت جامعه هماهنگ کنیم، این خود یک اشکال است. من اعتقاد ندارم که وزیر فقط سر در لاک آن تحلیل‌های خشک حوزه تخصصی خودش ببرد. جناب آقای حسینی شاهرودی مثال خوبی را ذکر کردند که وقتی یک وزیر در هیأت دولت می‌نشیند، او بایستی اشراف به قضایا داشته باشد. از آن لایحه‌ای که از یک دستگاه اجرایی می‌آید در واقع این باید با توجه به یک دیدی نسبت به مسائل کلی مملکت باشد.

برای مثال وقتی من می‌آیم مساله مسکن را مطرح می‌کنم، بایستی توجه به شبکه آب، مسائل برق و مسائل اقتصادی دیگر داشته باشم. یعنی اگر من فقط بگویم مسکن این تعداد و این مقدار با این زمین، این دلیل عدم آگاهی نسبت به مساله و در نتیجه ناکامی است. نکته مهم دیگری که بایستی ما به آن بعنوان هدف اصلی‌مان توجه داشته باشیم، موضوع احتراز از نگرش مادی به قضایاست. این نکته باید مورد تاکید خاص قرار بگیرد. من فکر می‌کنم کارآمدی یا ناکارآمدی یک وزیر تابعی است از مجموعه این عواملی که برشمردم.

آقای علی کامیار رئیس کمیسیون محاسبات: همانطور که همه می‌دانیم بعد از انتخابات ریاست جمهوری، هیأت دولت



است که اگر که هر چقدر بگوییم مردم را بیشتر توجه کرده‌ایم! مردم از ما بیشتر عمل می‌خواهند و یک وزیر به عنوان یک مسئول جامعه که مردم ما به مطلب او توجه دارند یک وزیر باید عملکرد خودش را به جامعه عرضه کند و مردم وزیر با با عملش می‌سنجند نه با سخنانش و هر چقدر وزراء حرف بزنند و عمل نکنند به نظر من تاثیر منفی در جامعه ما دارد.

بنظر بنده مجلس ابتدا باید بیاید و سرچشمه را قوی کند، خیلی قوی یعنی بحثی که الان هست اول باید خود وزیر بهترین و برجسته‌ترین نفر باشد. واقعاً اگر مجلس امروز نفری را می‌شناسد که قوی است و امروز معاون وزیر یا مدیر کل هست، باید امروز تقاضا کند از آن آقای وزیر که جناب آقای وزیر، شما بیا معاون بشو بگذار معاون شما که قویتر از شما هست، را ما به عنوان وزیر انتخاب کنیم. چون یک وزیر اهرم است، تصمیم‌گیری قضایا دست وزیر است. اگر خود وزیر قوی نباشد، معمولاً نمی‌تواند از نفرات قوی‌تر از خود استفاده کند و او را بکار بگیرد. من قبول دارم یک وزیر می‌تواند معاون قویتر از خودش را هم داشته باشد و حتی با او هماهنگ عمل کند، به شرط آنکه از نظر مدیریتی در رده کارآمدان محسوب گردد.

سوزی در آرا

است که فلان وزیر سال گذشته پیشنهادی را برای شرکت دخانیات برده بوده شورای اقتصاد، چند وقت بعدش الغاء آنرا خواستار شده است!

نکته دیگر داشتن سعه صدر است برای پذیرش مسائل، وزیر باید سعه صدر داشته باشد در مقابل مشکلات که در پیش روی دارد و هی از کوره در نرود و بخصوص عفت کلام داشته باشد که حالا من نمونه‌های مختلف را اینجا اشاره نمی‌کنم.

نکته بعدی روحیه تعبد است و اینکه یک وزیر باید خودش را یکی از مجموعه‌های بدانند که در حول محور ولایت قیام می‌گردد و همینطور که محور حرکت می‌کند این هم بتواند مجموعه خودش را در حول آن محور حرکت بدهد. یکی از مسائل مسئله انتقاد پذیری وزیر هست که می‌دانید با توجه به اینکه بنده بعنوان مسئول کمیسیون دیوان محاسبات هستم شاهدی که یکی از ضعف‌هایی که در قوه اجرائیه می‌بینیم مسئله مقاومت در برابر نظارت پذیری است.

یکی دیگر از مسائلی است که مردم هم به آن بیشتر توجه دارند و ما هم باید به این مسئله بیشتر توجه کنیم مسئله پرهیز از برخورد های شعاری است.

متأسفانه بعضی‌ها احساسشان براین